



گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر عبدالحسین خسروپناه درباره الگوی مدیریتی حاج قاسم سلیمانی

حکمرانی شبکه‌ای جبهه مقاومت

مدیریت حاج قاسم در جبهه مقاومت یک مدل از بالا به پایین نبود بلکه یک مدل همدلانه، تسهیل‌گر و مشارکتی بود و همین حکمرانی خوب منجر به اقتدار جبهه مقاومت در سطح بین‌المللی شد

دکتر عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگو با «وطن امروز» نکته ویژه و خاص مدیریت سردار سلیمانی در جبهه مقاومت را وجود یک مدل کارآمد حکمرانی دانست. وی این مدل حکمرانی در جبهه مقاومت را یک مدل شبکه‌ای عنوان کرد، به این معنا که همه طیف‌های این جبهه در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و عملیات، مشارکت و هم‌افزایی دارند

و این مشارکت باعث می‌شود احساس تعلق و وحدت افزایش یابد و این جبهه تبدیل به یک قدرت منسجم در برابر دشمن مشترک شود. دکتر خسروپناه ویژگی‌های شخصیتی سردار سلیمانی را بسیار ممتاز و کاملاً منطبق بر این چنین مدل حکمرانی‌ای توصیف کرد که از جمله دلایل موفقیت مدیریت ایشان در جبهه مقاومت بود.

جناب دکتر خسروپناه! نقش شهید سلیمانی در شکل‌گیری جبهه مقاومت و توسعه قدرت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری این جبهه واضح و روشن است، مساله اصلی این است که این توانمندی و این قدرت راهبردی چگونه در ایشان شکل گرفت و ایشان با چه مدلی توانست این اتفاق عظیم را رقم بزند؟

شخصیت عالم و شجاع و مدبر و مخلص سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در طول عمر جهادی او یک مکتب معرفتی و مدیریتی را برای جبهه مقاومت به ارمغان آورد. از این الگو و مکتب معرفتی و مدیریتی می‌شود تعبیر کرد به حکمرانی مقاومت در مکتب شهید سلیمانی. مکتب شهید سلیمانی ابعاد مختلفی دارد، یک ساختش مربوط به حکمرانی مقاومت است. توجه داشته باشید بین حکمرانی و حکومت‌داری فرق است. وقتی گفته می‌شود حکمرانی یعنی سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، خدمات عمومی. تنظیم‌گری هم مقررات‌گذاری و ساختارسازی و گفت‌وگو و تحقق قوانین، رصد و ارزیابی و نظارت و اصلاح قوانین است. یعنی تنظیم‌گری برآیندی ۶ مرحله‌ای است. از سیاست‌گذاری تا خدمات ۸ مرحله است که بین آن هم تنظیم‌گری هست که خود تنظیم‌گری ۶ مرحله است، از این مراحل هشتگانه به حکمرانی تعبیر می‌کنم. شهید حاج قاسم سلیمانی به نظرم در ایجاد یک مدل حکمرانی مشارکتی نقش زیادی داشت. دوستان می‌دانند باز در بحث حکمرانی ۳ الگو را مطرح می‌کنند؛ یکی حکمرانی هرمی و بوروکراسی، دوم حکمرانی بازاری و سوم حکمرانی شبکه‌ای. الان اصطلاح

حکمرانی خوب که مطرح هست همان حکمرانی شبکه‌ای است. یعنی هر چقدر مشارکت بیشتر باشد و تسهیل‌گری و مشارکت بیشتر باشد این حکمرانی، حکمرانی خوب است. شهید حاج قاسم سلیمانی که موفق شد یک مقاومت بین‌المللی را تحقق ببخشد به نظرم با الگوی حکمرانی مشارکتی توانست این کار را انجام دهد.

آقای دکتر! اگر بخواهید مهم‌ترین وجوه این مدل حکمرانی سردار سلیمانی را تشریح کنید به چه مواردی اشاره می‌کنید؟

من ۳ اصل مهم را از مجموعه سخنان حاج قاسم و مطالبی که در سخنرانی‌ها و وصیت‌نامه‌شان دارند به عنوان مبانی الگوی حکمرانی در مکتب حاج قاسم به دست آوردم که یکی از آنها «توحیدمحوری» است، دوم «ولایت‌مداری» و سوم «آخرت‌گرایی». توحیدمحوری بنیادی‌ترین مبنایی است که در حکمرانی شهید حاج قاسم ظاهر می‌شود و بعد ولایت‌مداری و آخرت‌گرایی. آخرت‌گرایی این است که به دنیا توجه نشود. به دنیا برای آخرت توجه بشود. از این مبانی، اصولی استخراج شده که باز این اصول کاملاً از سخنان و مطالب حاج قاسم به دست آمده. اصولی که می‌شود از آنها به اصول حکمرانی یاد کرد، خودسازی و علم حکمت بنیان است. خود حاج قاسم می‌دانید خیلی به علم اهمیت می‌داد. اولاً خودش رفت بعد از جنگ لیسانس و فوق‌لیسانس گرفت و حتی دوره آموزش دکتری را هم گذراند اما حالا رساله را دفاع نکرد ولی تحصیلات عالی را طی کرد. در علوم و مباحث قرآنی و نهج‌البلاغه

♦♦♦
شهید حاج قاسم سلیمانی به نظرم در ایجاد یک مدل حکمرانی مشارکتی نقش زیادی داشت. در بحث حکمرانی ۳ الگو مطرح می‌کنند؛ یکی حکمرانی هرمی و بوروکراسی، دوم حکمرانی بازاری و سوم حکمرانی شبکه‌ای. الان اصطلاح حکمرانی خوب که مطرح هست همان حکمرانی شبکه‌ای است. یعنی هر چقدر مشارکت بیشتر باشد و تسهیل‌گری و مشارکت بیشتر باشد این حکمرانی، حکمرانی خوب است. شهید حاج قاسم سلیمانی که موفق شد یک مقاومت بین‌المللی را تحقق ببخشد به نظرم با الگوی حکمرانی مشارکتی توانست این کار را انجام دهد

و... یک انس فوق‌العاده‌ای نسبت به قرآن و نهج‌البلاغه داشت و این اواخر عمر شریف‌شان هم با صحیفه سجاده‌ای انس داشت. بعد کاری می‌خواست انجام دهد از نخبگان بهره می‌برد. تا آنجا که من خبر دارم نخستین کسی که جنگ شناختی را در کشور متوجه شد و مطرح کرد شهید حاج قاسم سلیمانی بود، بعد فرمود این بحث جنگ شناختی بحثی هست که نخبگان باید بنشینند تحلیلش کنند، لذا جمعی از اهل فلسفه و محققان و دانشمندان را جمع کرد که درباره جنگ شناختی کار بشود. یعنی علم حکمت‌بنیان یکی از اصول مهم ایشان بود. ممکن است بعضی‌ها مخصوصاً کسانی که یک مقدار شخصیت خیلی نظامی داشته باشند بگویند من به این تشخیص رسیدم، بقیه باید عمل کنند. یک جور حکمرانی هرمی بیشتر در مدل حکمرانی‌های نظامی وجود دارد. در همه دنیا همینطور است اما شهید حاج قاسم در کنار اقتداری که داشت معتقد بود حکمرانی مقاومت بین‌المللی باید بر اساس علم و حکمت باشد. تدبیر و برنامه‌ریزی از اصول حکمرانی ایشان بود. شجاعت، قاطعیت و ریسک‌پذیری یعنی انسان نترسد؛ شجاع باشد، شجاعتش مبتنی بر علم و تدبیر باشد. شجاعت مبتنی بر علم و تدبیر، ریسک‌پذیری و قاطعیت می‌خواهد. برخی می‌گویند نه! معلوم نیست این به نتیجه برسد. علم و حکمت را دارد اما شجاعت در اقدام ندارد. شهید حاج قاسم اینطوری نبود. وحدت‌آفرین بود. از ظرفیت اهل سنت استفاده می‌کرد برای اینکه به مقاومت بین‌المللی برسد. اصلاً شهید حاج قاسم حرکتش حرکت شیعه‌گرایی به معنای توجه به یک مذهب و حذف مذاهب اسلامی دیگر